



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Right to Free Access to Information from the Perspective of Iran's Constitutional Rights in the Light of the Fourth Generation of Human Rights

Ramin Rashidpour¹, Ahmad Fahlahi^{2*}, Ebad Ruhi³

1. Department of Public Law, Ardestan Branch, Islamic Azad University, Kurdistan, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.

3. Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In the new developments of human societies, the right to communication is considered as the fourth generation of human rights, a new discourse and a new idea in the information age. The importance of this generation of human rights is as much as the experts emphasize that today it is not possible to realize important rights such as the right to life or the right to self-determination without the right to communication. Considering the emergence of new means of mass communication in the current world and the tendency of the doctrine of human rights of advanced countries to realize the human rights of this generation. In the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the right to free access to information is not specified.

Method: The present research was carried out using a descriptive - analytical method.

Ethical Considerations: In the present research, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality and originality of the work have been observed.

Results: With the expanded interpretation of the twenty-fifth article of the constitution, as well as the eighth article of this law, it may be possible to partially guarantee the right to access information. The right to access to information is one of the fundamental principles of democratic governments and one of the important examples of the first generation of human rights and guarantees the rights of citizens.

Conclusion: In the constitutional laws of the Islamic Republic of Iran, various principles of the constitution have implicitly emphasized the necessity of freedom of information.

Keywords: Right of Free Access; Information; Fundamental Rights; Fourth Generation of Human Rights

Corresponding Author: Ahmad Fahlahi; **Email:** a.falahi@uok.ac.ir

Received: January 02, 2024; **Accepted:** April 20, 2024; **Published Online:** May 22, 2025

Please cite this article as:

Rashidpour R, Fahlahi A, Ruhi E. The Right to Free Access to Information from the Perspective of Iran's Constitutional Rights in the Light of the Fourth Generation of Human Rights. Medical Law Journal. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e71.



حق دسترسی آزاد به اطلاعات از منظر حقوق اساسی ایران در پرتو نسل چهارم حقوق بشر

رامین رشیدپور^۱، احمد فلاحي^{۲*}، عباد روحی^۳

۱. گروه حقوق عمومی، واحد کردستان، دانشگاه آزاد اسلامی، کردستان، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

۳. گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در تحولات نوین جوامع بشری حق ارتباطات به عنوان نسل چهارم حقوق بشر گفتمانی نوین و ایده‌ای جدید در عصر اطلاعات محسوب می‌شود. اهمیت این نسل از حقوق بشر تا آنجاست که کارشناسان تأکید دارند که امروزه تحقق حقوق مهمی چون حق حیات یا حق تعیین سرنوشت بدون برخورداری از حق ارتباطات به طور کامل میسر نیست. نظر به ظهور ابزارهای نوین ارتباط جمعی در دنیای کنونی و تمایل بیش از پیش دکتترین حقوق بشری کشورهای پیشرفته به تحقق این نسل از حقوق بشر است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق دسترسی آزاد به اطلاعات تصریح نشده است.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: با تفسیر موسع اصل بیست و پنجم قانون اساسی، همینطور اصل هشتم این قانون، شاید بتوان تا حدی حق دسترسی به اطلاعات را تضمین نمود. حق دسترسی به اطلاعات یکی از اصول بنیادین حکومت‌های دموکراتیک و از مصادیق مهم نسل اول حقوق بشر و تضمین‌کننده حقوق شهروندی است.

نتیجه‌گیری: در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول مختلف قانون اساسی به طور ضمنی بر ضرورت آزادی اطلاعات تأکید کرده است.

واژگان کلیدی: حق دسترسی آزاد؛ اطلاعات؛ حقوق اساسی؛ نسل چهارم حقوق بشر

نویسنده مسئول: احمد فلاحي؛ پست الکترونیک: a.falahi@uok.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rashidpour R, Fahlahi A, Ruhi E. The Right to Free Access to Information from the Perspective of Iran's Constitutional Rights in the Light of the Fourth Generation of Human Rights. Medical Law Journal. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e71.

مقدمه

در چند دهه اخیر «آزادی اطلاعات» در مفهوم خاص خود، یعنی «حق دسترسی آزاد به اطلاعات» به دلیل فواید و آثار مثبتی که شناسایی و اجرای این آزادی در برخی از کشورهای جهان داشته، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. رشد و توسعه روزافزون وسایل نوین ارتباطی همچون اینترنت به ویژه شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام نیز، منجر به فراگیر شدن این موضوع در سطح عموم و فراهم شدن امکان دسترسی آسان شهروندان به اطلاعات و اخبار شده و خلأ احتمالی آن در جوامع را محسوس‌تر و افکار عمومی را به آن حساس‌تر کرده است. در واقع امروزه این حق به عنوان زیربنای مردم‌سالاری مطرح و موجب تحقق کرامت انسانی، مشارکت عمومی، عدالت اجتماعی و همچنین شفافیت در ارکان حکومت می‌گردد، لذا به هر میزان که دولت‌ها در مسیر دست‌یافتن شهروندان خود به اخبار و اطلاعات، محدودیت ایجاد کنند، از عدالت دورتر و بیشتر در معرض فساد قرار می‌گیرند. بند ۲ اصل سوم قانون اساسی به تکلیف دولت جمهوری اسلامی نسبت به بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، اصل ۶۸ به علنی‌بودن رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه‌های دادگستری و اصل ۶۹ به علنی‌بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی اشاره دارد.

حق دسترسی به اطلاعات عمدتاً به عنوان آزادی اطلاعات شناخته می‌شود و این دو اصطلاح معمولاً جایگزین یکدیگر به کار می‌روند. با وجود این آزادی اطلاعات اصطلاحی است که عنوانش با محتوایش تناسب چندانی ندارد کسانی که از روی عنوان درباره محتوای این آزادی اظهار نظر کرده‌اند، غالباً دچار خطا شده و آن را به معنای آزادی همه اطلاعات پنداشته‌اند و افرادی که بر اساس مبنا و محتوای این آزادی درباره عنوانش اظهار نظر کرده‌اند، عنوان مذکور را مورد انتقاد قرار داده و عبارت حق دسترسی به اطلاعات را به عنوان جایگزین پیشنهاد کرده‌اند. از این رو برای مطالعه درباره حق دسترسی به اطلاعات نخست لازم است مفهوم و ماهیت آن تبیین شود.

فصل چهارم قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، تحت عنوان استثنائات دسترسی به اطلاعات ذکر شده

است و مواد ۱۳ الی ۱۷ را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد مفهوم مصلحت عمومی به عنوان یکی از مستثنیات حق دسترسی آزاد به اطلاعات، به طور صریح شناسایی نشده است، بلکه مصادیق آن به عنوان محدودیت حق مزبور دیده می‌شود. مصادیقی نظیر نظم عمومی، امنیت عمومی، حداقل رفاه عمومی، حداقل بهداشت عمومی و حداقل آموزش عمومی در زمره مهم‌ترین مصادیق مصلحت عمومی به شمار می‌روند. به طور خاص در ماده ۱۷ قانون مزبور، از موارد ممنوعیت مؤسسات مشمول این قانون جهت ارائه اطلاعات درخواست‌شده، نام برده شده است که یکی از مهم‌ترین موارد آن بند «الف» ماده قانونی مذکور است. بر اساس بند «الف»، «امنیت و آسایش عمومی» یکی از موارد تحت شمول ممنوعیت مذکور در ماده می‌باشد. چنانچه بپذیریم امنیت یکی از مصادیق و جلوه‌های مصلحت عمومی است، آنگاه می‌توان به طور غیر مستقیم به تأثیر مصالح عمومی بر تحدید حق دسترسی آزاد اطلاعات پی برد. فلسفه چنین محدودیتی نیز به اهمیت وجود امنیت عمومی جهت تداوم‌بخشی و استمرار نظم عمومی باز می‌گردد. بر این اساس مسأله اصلی تحقیق این است که می‌توان قانون آزادی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ را یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های حمایت از آزادی اطلاعات و بستر ساز نظارت همگانی بر فعالیت مؤسسه‌های دولتی و عمومی دانست که بر ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی از جمله سیاست، اقتصاد و فرهنگ عمیقاً تأثیر می‌گذارد که در قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین یکی از خلأهای تحقیق این است که عدم دسترسی اطلاعات آزاد در نسل چهارم به صورت واضح و روشن ذکر نشده است. بنابراین تضمین حق دسترسی آزاد افراد به اطلاعات، مهم‌ترین عامل تحقق حقوق شهروندی بوده، اما عدم تبیین و تعریف دقیق از محدودیت‌های حاکم بر این حق، سبب فقدان ایجاد یک ضمانت اجرای قوی و کارآمد در عرصه آزادی اطلاعات است، لذا فقدان یک پژوهش جامع پیرامون موضوع تحقیق با توجه به اهمیت تضمین حق دسترسی آزاد به اطلاعات در تحقق حقوق، ضرورت تحقیق در این حوزه را مضاعف کرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها

با تفسیر موسع اصل بیست و پنجم قانون اساسی، همینطور اصل هشتم این قانون، شاید بتوان تا حدی حق دسترسی به اطلاعات را تضمین نمود. حق دسترسی به اطلاعات یکی از اصول بنیادین حکومت‌های دموکراتیک و از مصادیق مهم نسل اول حقوق بشر و تضمین‌کننده حقوق شهروندی است.

بحث

۱. مفهوم حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات (Freedom of Information) به معنای حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی اصطلاحی است که نخستین‌بار در ایالات متحده آمریکا ایجاد شده و در مورد محتوای خود تا حدی گمراه‌کننده است، زیرا این تصور را برای برخی ایجاد می‌کند که گویا همه انواع اطلاعات آزاد است، در حالی که موضوع قوانین آزادی اطلاعات عمدتاً دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی است نه آزادی همه اطلاعات؛ با توجه به گمراه‌کننده بودن این اصطلاح برخی کشورها از عنوان دقیق‌تری در خصوص این آزادی استفاده کرده‌اند که نشان‌دهنده محتوای آن نیز است برای مثال فرانسه از عنوان آزادی دسترسی به اسناد اداری استفاده کرده است. بیشتر کشورهای اروپایی نظیر کرواسی و ترکیه، آفریقای همانند گینه آسیایی از جمله هند، بنگلادش، نپال و مغولستان و آمریکای لاتین نیز از اصطلاح دسترسی به اطلاعات استفاده کرده‌اند. اصطلاح آزادی اطلاعات در کشورهای انگلیسی زبان نظیر انگلستان و کانادا و کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس متداول است.

۱-۱. جریان آزاد اطلاعات: در معنای آن منظور از آزادی اطلاعات این است که همه نوع اطلاعات اصولاً باید قابل دسترس استفاده انتشار و اشاعه باشند. از این آزادی می‌توان به آزادی اطلاع‌رسانی یا جریان آزاد اطلاعات یاد کرد. این آزادی بیش از آنکه در سطح ملی مورد استفاده استناد باشد، در سطح بین‌المللی مورد توجه و استناد بوده است.

نخستین‌بار قطعنامه شماره یک ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۶ خواستار تشکیل اجلاس بین‌المللی درباره آزادی اطلاعات شده و اعلام کرد: «آزادی اطلاعات یک حقوق بنیادی بشری و سنگ ستون همه آزادی‌هایی است که ملل متحد خود را وقف آن‌ها کرده است» (۱). با وجود این اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ماده مستقلاً به آزادی اطلاعات اختصاص نداد و تنها در قالب حمایت از آزادی بیان از آزادی اطلاعات نیز حمایت کرد. متعاقباً ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز آزادی بیان را شامل آزادی جستجو دریافت و انتشار و افشای اطلاعات و عقاید از هر نوع دانست پیشنهاد جایگزین کردن کلمه جستجو با جمع‌آوری که منجر به حذف حق جستجوی فعالانه برای تهیه اطلاعات می‌شد، در مجمع عمومی سازمان ملل مورد پذیرش واقع نشد و اکثریت کشورها بر ضرورت حمایت از گام‌های فعال برای تهیه و مطالعه اطلاعات تأکید کردند (۲).

در دهه ۱۹۶۰ دولت آمریکا برای ارسال آزادانه سیگنال‌های ماهواره‌های قابل دریافت مستقیم در داخل سایر کشورها به جریان آزاد اطلاعات استناد کرد و در برابر برخی کشورها مانند شوروی و کشورهای در حال توسعه به ضرورت جلب رضایت دولت‌ها برای ورود سیگنال‌های ماهواره‌ای و قلمرو و آن‌ها و لزوم جریان متوازن اطلاعات در سطح بین‌المللی تأکید کردند. در اوایل دهه ۱۹۷۰ کشورهای غیر متعهد برای مقابله با جریان نامتعادل اطلاعات اجلاس‌های مختلفی به عنوان نظم نوین بین‌المللی اطلاعات تشکیل دادند و سوءاستفاده کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی از نظریه جریان آزاد اطلاعات انتقاد کردند. با بیان اینکه جریان آزاد اطلاعات در واقع جریان یک‌طرفه اطلاعات از سوی گروه‌های غربی به

سوی کشورهای توسعه یافته است و شکاف فاحشی در زمین اطلاعات مبادله شده بین کشورهای ثروتمند و پیشرفته غربی و مالک فقیر جهان سوم وجود دارد، خواستار جریان متعادل اطلاعات در سطح بین‌المللی شدند (۳).

در نتیجه ابتکارهای بین‌المللی متعددی که این کشورها صورت دادند، در ۱۹۸۳ برنامه بزرگ ارتباطات در خدمت انسان‌ها که برای استقرار نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات تنظیم شده بود، علیرغم مخالفت بیشتر دولت‌های غربی در اجلاس عمومی یونسکو تصویب شد، آمریکا در مقام اعتراض در ۱۹۸۴ از یونسکو خارج شد و به سبب قطع کمک‌های دولت به تأمین بودجه سالانه یونسکو یک‌چهارم کل بودجه سازمان این سازمان با محدودیت‌های مالی مهمی رو به رو گردید و از اجرای برنامه مذکور ناتوان شد و برنامه دیگری را جایگزین آن کرد. با فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ ایده جریان آزاد اطلاعات دوباره با قوت بیشتر مطرح شد و دیگر مخالفت خاصی در مورد آن صورت نگرفت (۳).

در این بنا آزادی اطلاعات و آزادی بیان نزدیک می‌شود و همانطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر یا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشاهده می‌شود، در خدمت آن قرار می‌گیرد مهم‌ترین مستند طرفداران جریان آزاد اطلاعات مواد ۱۹ اسناد مذکور است که قید صرف نظر از مرزها را در تعریف آزادی بیان به کار برده و آزادی بیان، از جمله جستجو و دریافت و اشاعه آزاد اطلاعات را صرف نظر از مرزها شناسایی کرده است، یعنی عامل مرز نمی‌تواند مانعی بر جریان آزاد اطلاعات از جمله از طریق وسایل پخش فرامرزی و بین‌المللی قرار گیرد.

جریان آزاد اطلاعات صرفاً متضمن حق دسترسی به اطلاعات نیست، بلکه علاوه بر دسترسی آزاد به اطلاعات آزادی جستجو حق تکثیر انتشار و اشاعه آزادانه اطلاعات قابل دسترسی و استفاده آزاد از اطلاعات برای مقاصد مختلف اعم از تجاری و غیر تجاری را نیز دربر می‌گیرد، قطعنامه مجمع عمومی نیز در بیان محتوای آزادی اطلاعات اعلام کرده است که این آزادی شامل حق جمع‌آوری مخابره و انتشار اخبار از هر جایی به جای دیگر است.

همانطور که ملاحظه می‌شود در این معنا از یکسو عمدتاً روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای به آزادی اطلاعات نیاز دارند تا عموم مردم و از سوی دیگر عموم اشخاصی که اطلاعات در اختیار دارند از اشخاص بخش دولتی و بخش خصوصی مخاطبین آزادی قرار می‌گیرند و باید جریان آزاد اطلاعات را تسهیل کنند حمایت از آزادی در قوانین رسانه کشورها صورت گرفته و معمولاً قوانین آزادی اطلاعات حکمی در این خصوص پیش‌بینی نمی‌کند. با وجود این قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات را از یکدیگر تفکیک کرده و فصل اول آن حاوی بندی با عنوان آزادی اطلاعات و بندی با عنوان حق دسترسی به اطلاعات است، در ذیل عنوان آزادی اطلاعات سه ماده آمده است که اولی ماده ۲ به حق دسترسی مربوط است، اما دو ماده دیگر کاملاً به آزادی بیان و رسانه‌ها مربوط می‌شوند جای دقیق این دو ماده قانون مطبوعات است نه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات.

۱-۲. حق دسترسی به اطلاعات: در قوانین مختلفی که به عنوان قانون آزادی اطلاعات یا عناوین مشابه مانند قانون دسترسی به اطلاعات در کشورهای مختلف جهان، از جمله در کشور متصل شده است معنای خاص و جدیدی از آزادی اطلاعات مد نظر است. در این معنا آزادی اطلاعات عبارت است از حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و آن دسته از مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند این حق از قابل دسترسی بودن اطلاعات مؤسسات مذکور را شناسایی کرده و به حدی که از شهروندان اجازه می‌دهند تا تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات مذکور نگهداری می‌شود و آن مؤسسات را ملزم می‌کند تا جزء موارد استثنایی و احساس شده و مشخصه اطلاعاتی درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهند (۴).
لوازم و تبعات دیگر شناسایی این حق آن است که بار اثبات غیر قابل دسترسی بودن اطلاعات را بر عهده مؤسسات عمومی قرار می‌دهد و در مقام تعارض یا سایر حقوق نظیر حقوق ناشی از مالکیت‌های فکری یا حق بر حریم خصوصی آن‌ها را

محدود می‌کند. بر این اساس قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ در ماده ۵ و ذیل بند سوم خود به عنوان حق دسترسی به اطلاعات مردم راضیه قدر دسترسی به اطلاعات و مؤسسات عمومی را طرفین حق معرفی کرده است. مؤسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند. در خصوص محتوای حق دسترسی به اطلاعات این اتفاق نظر وجود دارد که دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی مهم‌ترین عنصر این حق است، اما در خصوص اینکه آیا حق مذکور همچنین به این معنا است که شخصی که به اطلاعات دولتی دسترسی پیدا می‌کند می‌تواند نسخه از اطلاعات را برای خود تهیه کند یا می‌تواند اطلاعاتی را که در اختیارش قرار گرفته است، منتشر کند یا از آن اطلاعات برای مقاصد تجاری یا غیر تجاری استفاده کند اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات انتشار اطلاعات قابل دسترس را تابع قوانین مربوط دانسته است.

۲. ماهیت حقوقی حق دسترسی به اطلاعات: حق دسترسی به اطلاعات از مقولات اعتباری بوده و زائیده نیازهای مختلف است. از این رو است که برخی معتقدند آزادی اطلاعات قانونی است، یعنی جنبه طبیعی و کشفی دارد. همانطور که برخی نویسندگان گفته‌اند برای رسیدن انسان به اهداف و خواسته‌هایش سه شرط لازم است آزادی، توانایی و فرصت. حقوق عبارت است از ادعای جانب افراد برای داشتن آزادی توانایی با فرصت در نیل به یک هدف بر این اساس حقوق مدنی و سیاسی از آزادی و حقوق اقتصادی و اجتماعی عموماً از توانایی یا فرصت‌های افراد حمایت می‌کنند. بنابراین حق حالت ایستا ندارند آن‌ها شرایط و فرصت‌هایی هستند که هر دو شرایط زمانه اقتضا کند افراد باید داشته باشند.

اکنون آزادی اطلاعات این جایگاه را در نظام‌های حقوقی مختلف به دست آورده است، اما پرسش مطرح در این خصوص آن است که آزادی مذکور در کدام یک از دسته‌های حقوق قرار می‌گیرد و به چه تعهداتی منجر می‌شود؟ منظور از ماهیت

حقوقی حق دسترسی به اطلاعات این است که نسبت آن با آزادی‌های دیگر، از جمله آزادی بیان چیست و آیا در ذیل آن قرار می‌گیرد یا متمایز و مستقل از آن‌ها است؟ با فرض متمایز بودن ماهیت حقوق و تعهدات ناشی از آن چیست؟

۱-۲. تمایز حق دسترسی به اطلاعات از آزادی بیان: از نظر تاریخی آزادی اطلاعات نخستین‌بار برای ارتقای آزادی مطبوعات و دسترسی روزنامه‌نگاران به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی شناسایی شده است. آزادی اطلاعات یا حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، نخستین‌بار در سال ۱۷۶۶ در قانون مطبوعات سوئد و برای روزنامه‌نگاران به رسمیت شناخته شده است. یکی از کارکردهای اساسی آزادی مطبوعات که به عنوان رکن چهارم و لازم دموکراسی شناخته می‌شود، این است که می‌خواهد آگاهی‌های لازم برای مشارکت در امور جامعه را به مردم اعطا کند. با وجود این به مرور زمان اثبات شده است که مطبوعات و سایر رسانه‌ها در رسیدن به این هدف با موانع و محدودیت‌هایی مواجه هستند که از جمله می‌توان به عدم امکان دسترسی روزنامه‌نگاران به داده‌ها و اطلاعات لازم هزینه‌بر بودن دسترسی به نشریات، محدود بودن موضوعات و مسائل مطرح در رسانه‌ها تفسیری و جانبدار بودن اطلاعات و تحلیل‌های ارائه‌شده رسانه‌ها، تبانی با صاحبان قدرت در اطلاع‌رسانی، شیوع انواع سانسور شکلی و ماهوی در فعالیت‌های رسانه‌ای و لزوم داشتن سواد رسانه‌ای برای فهم بسیاری از مسائل بر رسانه‌ها اشاره کرد.

یکی از دلایل شناسایی حق دسترسی به اطلاعات اصلاح این وضع بوده است؛ با شناسایی حق دسترسی افراد به اطلاعات مؤسسات عمومی به عموم مردم اجازه داده می‌شود که به اطلاعاتی که می‌خواهند دسترسی داشته و از اطلاعاتی که آگاهی از آن‌ها برای هر شهروند یا مراجعه‌کننده به مؤسسات عمومی ضروری و مفید است، آگاه شوند. در واقع رسانه‌ها و وسایلی که نقش واسطه را در آگاهی شهروندان از چند و چون امور مؤسسات عمومی ایفا می‌کند، همچنان به کار خود ادامه می‌دهند، اما شهروندان نیز اجازه دارند تا در صورت تمایل به انواع اطلاعاتی که در دستگاه حکومت تولید می‌شود، دسترسی

داشته باشند. این دسترسی باید با کمترین هزینه و در سریع‌ترین زمان ممکن و میسر شود (۵).

به همین جهت آزادی اطلاعات در معنای خاص خود ارزش افزوده خاصی بر آزادی بیان دارد و نباید آن را به آزادی‌های دیگر نظیر آزادی بیان یا مطبوعات یا ارتباطات ارجاع یا تقلیل داد.

موضوع آزادی بیان حمایت از بیان است و در نظام بین‌المللی حقوق بشر بیان قلمرو به گسترده‌ای را دربر می‌گیرد. این مفهوم نه تنها شامل گفتار و نوشتار می‌شود، بلکه شامل هر نوع رفتاری می‌شود که حاوی یک پیام باشد و این اساس سوزاندن پرچم یک کشور برگزاری یک نمایشگاه هنری اجرای کنسرت ساخت یک فیلم یا اثر موسیقی، پسندکردن مطلب دیگران در فضای مجازی، به دست گرفتن اعلامیه و شعار، طرز پوشش، طرز برخورد در مناسبت‌های مختلف اجتماعی، تشکیل انجمن‌ها و برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها از مصادیق بیان قلمداد و از حمایت‌های این آزادی برخوردار می‌شوند. بنابراین آزادی بیان قلمرو بسیار گسترده‌تری در مقایسه با آزادی اطلاعات دارد.

در معاهدات بین‌المللی که از آزادی بیان حمایت کرده‌اند نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از آزادی اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر آزادی بیان نام برده شد و این دو آزادی از یکدیگر لاینفک شناخته شدند. آزادی بیان مستلزم آزادی در جستجوی فعالیت اطلاعات از منابع آن و آزادی دریافت اطلاعات است. مبنای این پیوند آن است که برای داشتن وسایل ارتباط جمعی پویا روزنامه‌نگاران باید به صورت منفعل به اطلاعات و اخباری که در اختیار آن‌ها گذاشته شده، تسلط داشته، بلکه باید این حق و توانایی را داشته باشند که به جستجو و شکار اطلاعات بپردازند. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی بیان را شامل آزادی جستجوی اطلاعات دانسته است و قابل ذکر است که در زمان تصویب این ماده پیشنهاد جایگزین ساختن کلمه جستجو با جمع‌آوری که منجر به حذف جستجوی فعال در جمع‌آوری اخبار می‌گردید، در مجمع عمومی سازمان ملل مورد پذیرش واقع نشد و اکثریت کشورها از لزوم حمایت از فعال‌بودن برای

تهیه اطلاعات دفاع کردند. در سطح داخلی نیز قوانین راجع به رسانه‌ها از جمله قوانین مطبوعات کشورها بر حق دسترسی روزنامه‌نگاران به اطلاعات و اخبار تصریح کرده‌اند، بدین‌سان با توجه به اینکه دسترسی به اطلاعات یکی از عناصر و لوازم اصلی آزادی بیان و مطبوعات است، ممکن است ادعا شود حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی نیز جزئی از آزادی‌های مذکور است و نیاز به شناسایی آن در قانون خاص نیست.

با وجود این باید گفت که از آزادی اطلاعات مقوله‌ای است که باید مستقل از آزادی بیان نیز مورد حمایت قرار گیرد و با صرف تسری حمایت‌های آزادی بیان و مطبوعات حق دسترسی به اطلاعات محقق نمی‌شود. علاوه بر آنچه گفته شد، می‌توان موارد زیر را نیز به عنوان وجود تمایز این دو آزادی برشمرد:

نخست اینکه موضوع آزادی بیان دسترسی به هر نوع اطلاعات از هر کجا و با هر وسیله‌ای است در حالی که موضوع آزادی اطلاعات صرفاً دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و نه هر نوع اطلاعات؛ دوم آنکه آزادی اطلاعات یک حق شهروندی است که همه افراد جامعه از آن برخوردارند در برخورداری از آزادی ترجیحی بین افراد عادی و روزنامه‌نگاران نیز روزنامه‌نگاران و نمایندگان رسانه‌ها از حضور به قصد انتشار اطلاعات برای دسترسی به آن‌ها تلاش می‌کنند، در حالی که در چارچوب آزادی اطلاعات ممکن است دسترسی به اطلاعات این مجاز شناخته شود، انتشار آن‌ها ممنوع است. دسترسی به اطلاعات بر مبنای آزادی اطلاعات لزوماً به قصد بیان آن‌ها در مطبوعات یا سایر رسانه‌ها صورت نمی‌گیرد و انتشار تنها یکی از کارکردهای آن است (۶).

سوم آنکه برخلاف آزادی بیان اینکه اعمال آن اصولاً تابع تشریفات خاصی نیست، اعمال آزادی اطلاعات مستلزم رعایت تشریفات قانونی خاصی است. برای دسترسی به اطلاعات مورد نظر متقاضی باید به مؤسسه‌ای که اطلاعات را در اختیار دارد، مراجعه کند و فرم‌های خاصی را پر کند، مشخصات خود و اطلاعات درخواستی را اعلام کند و مؤسسه عمومی ظرف یک مهلت قانونی که در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

به کار اندازند، مشروط بر آنکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازند.» از آنجا که «آزادی شخصی لازمه وجودی انسان و به عنوان یکی از حقوق فطری، غایت مطلوب جامعه بشری است، همگان باید به آن به دیده احترام بنگرند و از تعرض نسبت به آن احتراز کنند. با وجود این اسناد بین‌المللی حقوق بشر بدین ترتیب به حمایت از حق برخورداری از آزادی افراد پرداخته است که هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت نمود.» آزادی مد نظر ما همان آزادی‌های شخصی است که به معنای دستگیری یا بازداشت و حبس‌نشدن افراد است.

امنیت عبارت است از «اطمینان خاطری که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند در حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (۷). حق امنیت دارای مصادیق فراوانی است که شامل «امنیت تن و جان، امنیت حیثیت و اعتبار، امنیت مال، امنیت مسکن، امنیت شغل، امنیت خلوت و حریم خصوصی، امنیت رفت و آمد و اقامت و امنیت از بازداشت‌های خودسرانه و تعقیبات غیر قانونی» می‌باشد و در خصوص امنیت شخصی دو نظر وجود دارد: یکی معنای عام از امنیت شخصی است که به نوعی تمام حقوق بشر ذیل آن قرار می‌گیرد که به مفهوم امنیت انسانی تعبیر می‌گردد و دیگری معنای خاص از امنیت شخصی است که از ماده ۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی با عنوان حق بر آزادی و امنیت شخصی (Right to Liberty and Security of Person) مستفاد می‌گردد. با دقت در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، به نظر می‌آید که مقصود از «آزادی و امنیت شخصی»، مفهوم عام آن نباشد و در حقیقت مفهوم مشخص‌تری از منطق حق آزادی و امنیت شخصی مد نظر است. برای اینکه بتوانیم مفهوم اصلی و واقعی مورد نظر این اسناد را کشف نماییم، باید به سراغ مفاد این مواد برویم. این مواد، حق آزادی و امنیت فرد را در شرایط بازداشت در نظر داشته‌اند، چنانکه در برخی از متون بین‌المللی از اصطلاح «منع بازداشت خودسرانه» استفاده نموده‌اند.

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی

ده روز معین‌شده درخواست متقاضی را بررسی کرده و امکان یا عدم امکان دسترسی به اطلاعات و نوع دسترسی را اعلام می‌کند.

۳. حق دسترسی به اطلاعات در پرتو نسل چهارم حقوق بشر

۳-۱. حمایت از کرامت انسانی در برابر سوءاستفاده: از زمان پیدایش تکنولوژی که عمری به قدمت انسان دارد تا سال‌های اخیر که به نوعی عصر تکنولوژی‌های مدرن خوانده می‌شود، مطالب زیادی پیرامون مفهوم، ماهیت و آثار تکنولوژی مطرح شده است که پرداختن به آن - علیرغم فوایدش - از حوصله بحث حاضر خارج می‌باشد. به همین دلیل تلاش خواهد شد بدون ورود به مباحث عمیق فلسفی، ماهیت تکنولوژی و آثار آن تبیین گردد.

نخست باید یادآوری نمود که این تصور که تکنولوژی جایگزین تمام و کمال انسان است، صحیح نیست. در همین مسیر نباید در ماهیت و آثار تکنولوژی افراط کرد؛ برخی با گسترش مفهوم تکنولوژی به یافته‌های علمی آزمایشگاه‌ها و یا تحقیقات علمی در حال اجرا، تصویری افسانه‌ای از تکنولوژی ارائه می‌دهند. قطعاً با دانستن این پدیدار در تمامیتش می‌توان میزان تازگی و همچنین حدود آن را سنجید. ژاک الول (Jacques Ellul) در مقاله خود با عنوان تکنولوژی به منزله مفهوم در این زمینه اذعان دارد: «مسلماً، اگر تکنولوژی‌های متکثر را به تصویر بکشیم و کنار یکدیگر بنشانیم، به راحتی می‌توانیم توسعه بی‌انتهای آن‌ها را تخیل کنیم، اما اگر سیستمی را مطالعه کنیم که در آن تکنولوژی‌ها با یکدیگر ربط متقابل دارند و بفهمیم که این سیستم بسته نیست، آنگاه باید دریابیم که نه می‌توانیم تکنولوژی‌ها را انسان‌گونه کنیم، نه می‌توانیم توسعه بی‌انتهای آن‌ها را تخیل کنیم. به همین دلیل باید تکنولوژی را مفهوم‌سازی کنیم و توصیف‌های اغراق‌آمیز و وهم‌آلود از جامعه آینده را قاطعانه کنار بگذاریم.»

۴. حق آزادی و امنیت شخصی در نسل چهارم حقوق بشر: آزادی عبارت از «حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را

حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹) و در اسناد منطقه‌ای مانند اعلامیه اسلامی حقوق بشر (ماده ۲۰) و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۵) تصریح، و به آثار چنین حقی نیز اشاره شده است.

بند ۱ ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مطابق با ۲۵ آذرماه ۱۳۴۵، مقرر داشته است: «هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندان) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.» ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ نیز مقرر داشته است: «هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود» و بر اساس ماده بیستم اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره ۱۴ محرم ۱۵/۱۴۱۱ مرداد ۱۳۶۹ ش.): «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هیچ انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع...»

از متن مفاد ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که آزادی و امنیت شخصی یکی از حقوقی است که برای همه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. بر پایه این حق، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنایی باشد که تنها بر پایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر انجام گیرد و هرچه زودتر دادرسی عادلانه درباره کسانی که آزادی‌شان سلب شده است، به عمل آید و اشخاص دستگیرشده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند.

۵. قواعد شکلی سلب موقت حق آزادی و امنیت شخصی:

همان‌گونه که در قسمت پیشین بیان شد، بر اساس اسناد

بین‌المللی حقوق بشر، سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد ضرورتاً باید به موجب قانون انجام گیرد و افزون بر جواز قانونی برای سلب حق آزادی و امنیت افراد ضروری است که این امر بر اساس رعایت قوانین و قواعد شکلی، از جمله سلب حق یادشده از سوی مراجع قضایی و با رعایت محدودیت مدت آن و همچنین پذیرفته شدن حق اعتراض افراد به سلب این حق و حق افراد بر آزادی خود در موارد صدور غیر قانونی بازداشت انجام گیرد که در قوانین داخلی نیز شناخته شده است، لذا موضوعات یادشده را به بحث و بررسی خواهیم گذاشت تا میزان مطابقت این قوانین با اسناد بین‌المللی حقوق بشر در این زمینه روشن شود.

۵-۱. ضرورت توجیه و مستدل بودن سلب موقت آزادی:

در هنگام انجام تحقیقات مقدماتی، مقام قضایی که در پی کشف ادله ارتکاب جرم از کسی که تحت تعقیب قرار گرفته، برآمده است، بنا بر ضروریات تأمین حقوق جامعه و برخلاف فرضیه بی‌گناهی، آزادی افراد را حسب مورد محدود یا سلب می‌نماید. این تصمیم بازپرس به موجب قرارهای تأمینی به عمل می‌آید که موضوع آن ممکن است تعهد مالی باشد، مانند الزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ تعهد اخلاقی، همچون الزام به حضور به قول شرف؛ قرار مال، مانند وثیقه یا کفالت؛ قرار محدودیت رفت و آمد، همچون الزام به خارج نشدن از حوزه قضایی و سرانجام شدیدترین نوع آن، قرار سلب آزادی رفت و آمد است که به آن قرار بازداشت یا توقیف احتیاطی می‌گویند. سلب حق آزادی متهم مسأله‌ای است که حقوقدانان و قوانین پیشرفته آیین دادرسی کیفری بر آن نقد جدی داشته‌اند، چراکه رعایت نکردن حق آزادی و امنیت شخصی و رعایت نکردن حقوق یکسان طرفین دعوای کیفری - آنچه که به تساوی سلاح‌ها معروف است - به حق دفاع متهم آسیب می‌زند و در این میان تنها حقوق و آزادی متهم ضایع می‌شود؛ به ویژه اینکه احتمال اشتباهات قضایی با توجه به اطلاعات ناقص مقام تصمیم‌گیرنده در این مقطع زمانی بسیار بیشتر از مرحله دادرسی و صدور حکم است (۳).

این مسائل موجب شده است چه در عرصه داخلی و چه در صحنه بین‌المللی، دولت‌ها به سوی تنظیم قواعد و مقرراتی همسو با تعهدات خود در خصوص تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجرای دادرسی منصفانه گام بردارند که به موجب آن، موارد توجیه‌کننده صدور قرار بازداشت موقت بسیار محدود گردد و در آن صورت نیز حداکثر امکانات برای تأمین و تضمین آزادی‌ها و تدارک و دفاع متهم در اختیار وی قرار گیرد. برای مثال بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر کسی که دستگیر می‌شود، باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند» و در جایی دیگر به تکلیف دولت‌ها در خصوص لزوم حاضرکردن هرچه سریع‌تر مظنون نزد مقام قضایی و ممنوع‌بودن بازداشت وی در طول مدت انجام تحقیقات مقدماتی تصریح می‌نماید و پیشنهاد می‌گردد تا جایی که ممکن است از اقدامات جایگزین بازداشت موقت استفاده گردد. به همین دلیل است که «مقام قضایی باید هنگام بازداشت متهم به تفصیل دلایل خود را مبنی بر اینکه چرا قرارهای جایگزینی کافی برای در اختیار نگه‌داشتن متهم نیستند و بازداشت متهم تنها وسیله ممکن به نظر می‌رسد را در قرار صادره قید کند» (۸).

قانونگذار ایران بر همین اساس و در خصوص تضمین هرچه بیشتر حقوق شهروندان و جلوگیری از بازداشت خودسرانه و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، همواره مقامات بازداشت‌کننده را مکلف به ذکر علل بازداشت و توجیه سلب آزادی شهروندان نموده است. در قوانین داخلی ایران، افزون بر اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناظر بر منع بازداشت غیر قانونی است. ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ شمسی به صراحت لزوم مستدل‌بودن و مستند قانونی‌داشتن قرار بازداشت موقت را مد نظر قرار داده بود. بر همین اساس «مقام قضایی تحقیق‌کننده در صورتی مبادرت به صدور قرار تأمین کیفری می‌نماید که دلایل، قرائن و امارات کافی بر وقوع

جرم و انتساب آن به متهم وجود داشته باشد، در غیر این صورت باید از صدور قرار تأمین امتناع نماید.»

بند یکم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ نیز بر مستدل‌بودن و مستند قانونی‌داشتن سلب حق آزادی افراد تأکید نموده است و سایر بندهای قانون یادشده نیز در خصوص تأمین اهداف عدالت کیفری و دستیابی به استانداردها و موازین حقوق بشر، از جمله جلوگیری و منع بازداشت خودسرانه و پرهیز از بازداشت غیر ضروری افراد و کاهش صدور قرار بازداشت و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد بسیار دارای اهمیت است. قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در خصوص ضرورت مستدل‌بودن بازداشت همان مفاد مواد قوانین سابق را در ماده ۲۳۹ مد نظر قرار داده است.

با توجه به مفاد مواد یادشده، قوانین ایران درباره ضرورت مستدل‌بودن و مستند قانونی‌داشتن قرار بازداشت موقت با قوانین بین‌المللی حقوق بشر به خصوص ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً منطبق است و قوانین کشور در این زمینه هیچ‌گونه نقص و ابهامی ندارد.

۵-۲. محدودیت مدت بازداشت و سلب موقت آزادی: از مسائل مربوط به بازداشت موقت که خصوصاً توجه حقوقدانان را به خود جلب کرده، مدت آن است که «تغییر عنوان آن از توقیف احتیاطی به بازداشت موقت حسب قانون ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه نیز تأییدی بر موقتی‌بودن و محدودبودن این تأمین است. علیهذا وقتی مدت بازداشت در قانون پیش‌بینی نشده باشد، متهمی که با قرار بازداشت موقت زندانی شده باشد، در عمل به علت تراکم زیاد پرونده‌ها یا به علت ضرورت تکمیل تحقیقات، مدت طولانی در زندان باقی می‌ماند و آثار زیان‌بخش و غیر قابل جبران آن خصوصاً وقتی آشکار می‌شود که به علت نبودن دلایل کافی، سرانجام به قرار منع توقیف یا برائت منتهی گردد و یا اینکه به فرض صدور قرار مجرمیت، دادگاه متهم را با مجازاتی کمتر از مدت حبس در بازداشت موقت محکوم کند» (۹).

بند ۳ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در این باره مقرر می‌دارد: «هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می‌گردد، باید بی‌درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که به وسیله قانون قدرت قضایی را اعمال می‌کند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد به صورت قاعده عمومی و کلی درآید...». ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر نموده است: «توقیف متهم نباید از مدت معقول تجاوز نماید».

چنانچه ملاحظه می‌گردد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری، برای بازداشت متهم مدت مشخصی را در نظر نگرفته‌اند، اما آورده‌اند که فرد بازداشت‌شده بی‌درنگ در حضور قاضی آورده و در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. مقرر نمودن مهلت زمانی برای در توقیف نگه‌داشتن افراد، طبیعتاً سبب تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی از سوی مقام تحقیق در مهلت زمانی تعیین شده می‌شود که می‌تواند موجبات تسریع دادرسی را نیز فراهم نماید. بنابراین ایجاد محدودیت زمانی باید کوتاه باشد که این موضوع از سوی قانونگذار برای بازداشت افراد و در راستای حمایت از حقوق فرد بازداشتی و برای جلوگیری از بازداشت‌های طولانی‌مدت از طرف مقام قضایی گامی مهم شمرده می‌شود.

ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در این خصوص بیان داشت که در هر صورت ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم بازداشت‌شده روشن و با صدور قرار تأمین مناسب آزاد شود و در صورت ضرورت، قرار بازداشت موقت با ذکر دلایل و مستندات، تجدید گردد. قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ نیز که تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم را بر عهده بازپرس قرار داده بود، در این خصوص در بند «ط» ماده ۳ مقرر می‌داشت که «هرگاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرائم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت به سر برده و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، مرجع صادرکننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم

می‌دهد، مگر آنکه جهات تخفیف قانونی یا علل موجهی برای بقای قرار تأمین صادرشده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقا می‌شود...، چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد، مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود.» به نظر می‌رسد با توجه به اختلاف مفاد مواد پیش‌گفته در محدودیت زمان قرار بازداشت موقت و صراحت بند «ط» ماده ۳ قانون یادشده که بیان می‌داشت: «... متهم در بازداشت به سر برده و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد...»، باید این‌گونه مقرر می‌شد که اگر قرار بازداشت موقت در دادگاه صادر شود، رعایت مفاد ماده ۳۷ پیش‌گفته برای دادگاه الزامی بود و اگر این قرار در دادسرا صادر شود، رعایت مفاد بند «ط» ماده ۳ یادشده برای بازپرس و دادیار الزامی بود.

قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، رویه واحدی را در دادگاه و دادسرا پذیرفته است و در ماده ۲۴۲، قانونگذار ایران افزون بر ضرورت مستند قانونی‌داشتن بازداشت موقت و مستدل بودن آن، حداقل مدت در بازداشت بودن متهم را نسبت به قانون کنونی در جرائم مهم از چهار ماه به دو ماه و در دیگر جرائم از دو ماه به یک ماه کاهش داده است و حداکثر زمان در بازداشت بودن متهم در جرائم سلب حیات و دیگر جرائم را نیز تعیین نموده است که در رعایت حقوق متهم و دادرسی عادلانه و محدودیت مدت سلب آزادی متهم و همچنین تطابق کامل با اسناد بین‌المللی حقوق بشر در این زمینه گام‌هایی اساسی به شمار می‌آیند.

۳-۵. حق درخواست بررسی قانونی بودن سلب موقت آزادی و درخواست آزادی: از آنجا که اصل بر آزادی متهم در حین انجام تحقیقات مقدماتی به اعتبار حاکمیت اصل برائت است و سلب آزادی خلاف اصل بوده و صرفاً در مواقع استثنایی ممکن است موضوع حکم قرار بگیرد و اینکه اشتباهات گریزناپذیر قضایی تجربیات تلخی را از محروم‌نمودن افراد بی‌گناه از آزادی به یادگار گذاشته است و قوانین پیشرفته آیین دادرسی کیفری برخلاف آنچه که در گذشته حاکم بود، به نحوی که صرفاً مقام قضایی صادرکننده قرار بازداشت موقت

اندیشیده شده بود، لزوم اخذ تأیید رییس حوزه قضایی محل یا معاون وی در شرایطی بود که دادرسی قرار مزبور را صادر نموده باشد.

در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، قانونگذار سازوکار مناسب‌تری برای کنترل قضایی و اعتراض به قرار بازداشت موقت پذیرفته و تکالیفی را نیز متوجه مقام صادرکننده قرار نموده بود. در بند «ح» ماده ۳ قانون یادشده، بازپرس که حق صدور قرار بازداشت موقت متهم را دارد، در صورت صدور قرار از سوی وی باید به تأیید دادستان برسد. همچنین در صورت مرتفع‌شدن دلیل بازداشت، رفع بازداشت باید با موافقت دادستان باشد. همچنین در این بند، حق متهم برای درخواست رفع بازداشت از خود در صورت مرتفع‌شدن دلیل بازداشت از وی به رسمیت شناخته شده بود. همچنین بند «ط» از ماده ۳ قانون یادشده نیز مرجع صادرکننده قرار بازداشت موقت را در صورتی که پرونده در دادسرا به تصمیم نهایی منتهی نشده باشد، در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در دیگر جرائم تا دو ماه نسبت به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم تعیین تکلیف نماید، مگر آنکه دلایل قانونی یا علت موجهی برای بقای قرار تأمین صادرشده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر آن‌ها قرار ابقا می‌شود و در این صورت متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید. همان‌گونه که در متن بند «ح» و «ط» آشکار است، قانونگذار ایران برای تضمین حق اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت «علاوه بر «حقی» که برای اعتراض به «صدور» و «ادامه» قرار بازداشت برای متهم شناخته بود، «تکلیفی» نیز برای مرجع صادرکننده قرار پیش‌بینی نموده تا وی نیز قرار خود را در فواصل زمانی معین مورد بازبینی قرار دهد» (۱۰).

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در ماده ۲۴۱ در خصوص اعتراض قرار بازداشت تقریباً همان مفاد قوانین سابق را پذیرفته است و در ماده ۲۴۲ نیز حق اعتراض متهم را به تجدید و ابقای قرار بازداشت موقت پس از گذشت دو ماه در

یا جانشین وی می‌توانست اقدام به تخفیف، تبدیل یا فک قرار بازداشت موقت نمایند، حق پژوهش‌خواهی متهم از تصمیم قضایی مقام تصمیم‌گیرنده را در صورت لزوم اعمال کنترل قضایی و دادرسی دو درجه‌ای پذیرفته است.

بند ۴ از ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در به رسمیت‌شناختن این حق مقرر داشته است: «هر کس در اثر دستگیری یا بازداشت‌شدن از آزادی محروم شود، حق دارد به دادگاه تظلم نماید، به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی‌بودن بازداشت اعلام نظر کند و در صورت غیر قانونی‌بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.»

ظاهراً مبنای پذیرش این حق کاستن از اشتباهات قضایی و در نتیجه تحدید هرچه بیشتر آثار اقدام خلاف اصل برائت مقام قضایی در بازداشت متهم است.

فک قرار بازداشت یا تبدیل آن به تقاضای متهم، از دیرباز در بند ۴ ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۰ پذیرفته شده بود، اما با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳، حق شکایت از قرار بازداشت به موجب بند «ب» ماده ۱۹ قانون یادشده از میان رفت که تعدی بر حقوق و آزادی‌های فردی متهم به شمار آمده و نقض تعهدات بین‌المللی کشور در زمینه دادرسی منصفانه و اعطای حق تجدیدنظرخواهی به متهم بود و اعتراضات حقوقدانان را در پی داشت تا سرانجام با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و در ماده ۳۳ این قانون دوباره قرار بازداشت موقت قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان اعلام شد. به موجب این ماده «... مهلت تجدید نظرخواهی ۱۰ روز بوده و دادگاه صالح خارج از نوبت به درخواست متهم رسیدگی می‌کند. در صورتی که دادگاه تجدید نظر اعتراض متهم را وارد تشخیص دهد، قرار بازداشت موقت را فسخ و پرونده را به منظور اخذ تأمین مناسب به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌کند.»

تمهید دیگری که برای تضمین حقوق متهم و جلوگیری از سلب آزادی از افراد برخلاف قانون در قانون پیش‌گفته

جرائم مهم و یک ماه در دیگر جرائم، ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه صالح به رسمیت شناخته است.

ماده ۲۴۴ قانون یادشده و تبصره ۱ آن نیز حق درخواست تخفیف تأمین را حتی پس از صدور کیفرخواست فقط برای یک بار به رسمیت شناخته و دادگاه را حتی در صورت درخواست فرجام‌خواهی از حکم نیز مکلف به رسیدگی دانسته است و مطابق ماده ۲۴۵، دادگاه مکلف است اعتراض متهم را در وقت فوق‌العاده رسیدگی کند. بنا بر مواد یادشده از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ روشن است که قوانین ایران در زمینه شناخت و اجرای حق اعتراض به سلب موقت آزادی به صراحت بیان شده و از این جهت کاملاً به اسناد بین‌المللی حقوق بشر و به خصوص با بند ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی منطبق است و قوانین کشور در این زمینه دارای ابهام و اشکالی نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول مختلف قانون اساسی به طور ضمنی بر ضرورت آزادی اطلاعات تأکید کرده است، زیرا اجرای برخی از اصول بسیار مهم آن منوط به شناسایی و رعایت آزادی مذکور است. تحقق اصل ششم قانون اساسی که به اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی تأکید کرده است. اصل سوم قانون اساسی که دولت را موظف کرده است همه امکانات خود را برای محقق ساختن «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» و ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات «غیر ضروری» به کار گیرد و اصل هشتم قانون اساسی که نظارت مردم بر دولت را در قالب اصل امر به معروف و نهی از منکر به رسمیت شناخته است، ملازمه قوی با آزادی اطلاعات دارند. همچنین برنامه‌های توسعه و سایر قوانینی که بر ایجاد و تقویت سازوکارهای لازم برای نظارت‌های مردمی بر عملکرد دولت یا بر مبارزه با فساد یا پاسخگویی حکومت تأکید کرده‌اند

به دلیل بی‌توجهی به آزادی اطلاعات، راهکارهای اجرایی مناسب پیدا نکرده‌اند.

یکی از پایه‌های اساسی حکومت‌های شفاف، حق دسترسی شهروندان به اطلاعات است. این حق، یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی‌های فکری است، چراکه با کمک اطلاعات درست و سنجیده افراد می‌توانند به پرورش فکر و ذهن خود بپردازند و افکار خود را منتشر سازند. مسائلی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ داده شده اینکه، حق دسترسی به اطلاعات دارای چه مبانی نظری می‌باشد و اسناد حقوق بشری نسبت به این حق چه رویکردی دارند که با توجه به پرتو نسل چهارم حقوق بشر به آن پرداخته می‌شود.

مشارکت نویسندگان

رامین رشیدپور: نگارش مقاله، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، گردآوری منابع.

احمد فلاحی و عباد روحی: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Calling of an International Conference on Freedom of Information. Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/1/ares1.htm>.
2. Nowak M. UN Convention on Civil and Political Rights-CCPR Commentary. Strasbourg: NP Engel; 1993. p.343.
3. Motamednejad K. International communication. Tehran: Publication of media studies and development; 2011. p.6, 8. [Persian]
4. Dyrberg P. Current Issues in the Debate on Public Access to Documents. European Law Review. 1999; 24(2): 157-170.
5. Shabani M. Investigating how to interact with the disclosure of corruption in administrative law. Deputy of Research, Education & Citizenship Rights. 2008; 6(13): 73-90. [Persian]
6. Namakdoust Tehrani H. The right to access information: foundations, global trends and Iran's position. Rasaneh. 2003; 14(1): 50. [Persian]
7. Hashemi SM. Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan Publications; 2015. p.276. [Persian]
8. Ashouri M. Criminal Procedure. Tehran: Samt Publications; 2009. p.199. [Persian]
9. Kharrazi SM. A speech in the order of description. Figh-e Ahl-e Bait. 2001; 7(25): 21-58. [Persian]
10. Erfanmanesh MA. Freedom of information. Rahavard-e Noor Quarterly. 2008; 21: 24-29. [Persian]